

متن پرسش

سلام علیکم: با توجه به صحبت های زیاد و خوبی که از دو شخصیت امام خمینی رحمه الله علیه و شخصیت های دیگر از شما شنیدم و دیدم، اگر در نهایت بخواهیم از استاد طاهرزاده که با این دو شخصیت و تفکر دمخور بوده اند سوال کنیم که به نظرتان اگر حضرت امام بخواهند از تفکر های دیگر استفاده و بهره ببرند، به نظرتان حضرت امام کدام قسمت و چه چیز از تفکر های دیگر را واقعا می‌پسندند و در مسیر توحید و این انقلاب از تفکر های دیگر بهره می‌برند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمد الله حضرت امام با سعه شخصیتی که در معارف الهی دارا هستند و فهمی که از انسان دارند، نیاز به های دیگر و امثال او ندارند. ولی ما می‌توانیم با مواجهه با بحث «دزاین» های دیگر برای تبیین عقل بشر جدید، روشن‌تر مباحث انسان‌شناسی را مطرح کنیم. ولی آن را در بستر تاریخی خود باید دنبال کنیم. این‌جا بود که از عظمت کار حضرت امام یاد شد که چگونه ما را متذکر جلد هشتم و نهم «اسفار» کرد که نوعی حضور در خود است. آری! و در دل همین حضور در خود، او در خودش از انقلاب اسلامی برای ما سخن گفت و انقلاب اسلامی یعنی حضور در نزد خود به وسعت حضور در نزد همه انسانیتی که بنا است وسعت آخرالزمانی خود را در خود تجربه کند، تا جهان در نزد او باشد و او در نزد جهان. این‌جا است که دنیای دوگانه ابژه و سوژه فرو می‌ریزد. از انسان چیست که کانت به میان آورد و از دزاینی که های دیگر متذکر شد؛ خود را در ادامه، در انقلاب اسلامی می‌توان دنبال کرد. انقلاب اسلامی «راه» است؛ وقتی انسان جدید بنا داشته باشد خود را راهی بداند به سوی خودی که در اجمال کم‌تری است. موفق باشید